

## مواجهه با عیسی

یحیی تعمید دهنده

( یوحنا ۱ : ۱۹ - ۳۴ )

اولین نبی که عیسی را به عنوان نجات دهنده جهان شناساند، یحیی تعمید دهنده بود . به شهادت یحیی درباره بره خدا، که گناهان جهان را بر خود گرفت و زود گوش فرا دهید .

یکبار خبری را درباره زنی مطالعه کردم که آنقدر کریسمس را دوست داشت که هرگز نمی خواست کریسمس پایان یابد . تجربه عملی به او ثابت کرده بود که با دقت و جد و جهد فراوان می تواند درخت کریسمس و تزئیناتش را برای ماهها سبز و تازه نگاه دارد . از این رو او چند ماه قبل از کریسمس درخت را برپا می کرد، موسیقی کریسمس را می گذاشت، تمام خانه اش را ترنیم می نمود، و آنرا تا به فصل بهار سالم نگاه می داشت . اکنون، من کریسمس را به مانند آن زن دوست دارم، اما رفتار او در نظرم کمی عجیب می آید . عمل او به نظرم ابراز بیش از حد احساساتش بود و خدا نمی خواهد که ما در کارمان افراط و زیاده روی کنیم. حقیقت این است که میانی کتاب مقدس بر داستان کریسمس استوار نیست. روایت تولد مسیح ، در کمال زیبایی و تاثیر گذار بودن روایتی است موجز. این روایت به زودی پایان می یابد و ما وارد مسائل دیگر می شویم. البته اشتباه برداشت نکنید، تولد مسیح بسیار جانز اهمیت است. اما زندگی و خدمت او پر اهمیت تر است، و مرگ و قیام او مهمترین همه آنها است . عیسی ما را نجات داد، نه در آخور بلکه بر روی صلیب ، نه اینکه همچون نوزاد بلکه در مقام بره خدا که گناهان جهان را بر خود حمل کرد ما را نجات بخشید.

## ندایی در بیابان

رسولان سر سخنانه بر صلیب تاکید می ورزند، و هنگامی که انجیل را ورق می زنیم در می یابیم که سی سال زندگی مسیح با اشارات گذرایی سپری می شود . تنها شبانان و مجوسیان پیش از ورود یحیی تعمید دهنده و سخنان اولیه اش در مورد مسیح موعود، در کنار صحنه ظاهر می شوند . به راستی این شخصیت عجیب که نامش یحیی است و همچون ایلیاء نبی ، لباس پوشیده و همچنین به مانند او موعظه می کند کیست ؟ این همان چیزی است که مقامات مذهبی در اورشلیم می خواهند بدانند ، از این رو روزی گروهی نماینده نزد یحیی اعزام می کنند تا جواب سوال را بدهند . این آن چیزی است که یحیی به آنان گفت: " من مسیح نیستم " . از او سوال کردند ، " پس چه ؟ آیا تو الیاس هستی ؟ " گفت : " نیستم " . آیا تو آن نبی هستی ؟ او جواب داد ، " نه " . آنگاه بدو گفتند : " پس کیستی ؟ به آن کسانی که ما را فرستادند چه جوابی به دهیم . " یحیی از زبان اشعیا گفت: " من صدای ندا کننده ای در بیابان هستم که راه خداوند را باز کنید . " ( یوحنا ۱ : ۲۰ - ۲۳ )

یحیی تعمید دهنده به شکلی سر بسته و با نقل قول از اشعیا به آن سوال کنندگان گفت که نمی خواهد بدانند که او کیست . او گفت که چیزی جز یک ندا کننده نیست ، ندای کسی که در بیابان فریاد می زند " راه خداوند را راست گردانید ! " ( آیه ۲۳ ) . شهادت یحیی در مورد خودش بسیار واضح و شفاف است ( آیات ۱۹ - ۲۸ ) . علیرغم تاثیر فراوانی که یحیی داشت ، اما او مسیحا نبود . او تنها یک پیشگام بود ، نبی ای که راه را برای آمدن سرورث عیسی مهیا می ساخت . او تنها یک وظیفه و هدف در زندگی داشت - او می بایست آمدن مسیحای موعود را خبر می داد . مهمترین چیز در باره یحیی تعمید دهنده این بود که او می دانست خدا کاری برای او در نظر گرفته است که او می بایست آن را به انجام رساند . او می دانست که آن کار چه بود ، و تنها انگیزه وی این بود که آن کار را به انجام برساند . یحیی می بایست شهادت دهد؛ و این آن چیزی بود که او انجام داد . او نگذاشت که غرور و انگیزه شخصی اش مانع انجام هدفش گردد.

او علاقه ای به خانه و شغل و یا کسب شهرت نداشت . خیر ، یحیی تنها علاقه مند بود که دیگران را متوجه و متمرکز مسیح سازد. او اولین درسی را که یک شاگرد نیاز به آموختن آن دارد خوب می دانست ؛ به زبان خود یحیی " می باید که او افزوده شود و من ناقص گردم " ( مراجعه شود به یوحنا ۳ : ۳۰ ) .

### اینک بره خدا

شهادت یحیی درباره عیسی بسیار خردمندانه است . هنگامی که او عیسی را دید که نزدیک می شود ، رو به شاگردانش و جمعیت اطراف کرده و در عبارتی با شکوه به اصل مطلب اشاره می کند .  
روز بعد یحیی عیسی را دید که به او نزدیک می شود ، و گفت : " اینک بره خدا که گناه جهان را بر می دارد ! این است آن که من درباره او گفتم که مردی بعد از من می آید که پیش از من شده است .  
سپس یحیی این شهادت را داد : " روح خدا را دیدم که مثل کبوتری از آسمان نازل شده و بر او قرار گرفت .... من دیده شهادت می دهم که این است پسر خدا " . یحیی با اختصاص عنوانی به عیسی که هویت حقیقی او را نیز به تصویر می کشد آغاز می کند : " اینک بره خدا " . هر آنچه که ما درباره عیسی می اندیشیم ، تا به هنگامی که درک نکرده ایم که او بره خدا و کسی که گناه جهان را بر می دارد است ، بی ثمر می باشد و در واقع او را ملاقات نکرده ایم . روزی الهیدان مشهور کارل بارت سوار اتومبیلی بود که یک خارجی کنار او نشست . آنها مکالمه را آغاز نمودند ، و در طول مکالمه بارت از آن مرد پرسید آیا چیزی است که او بطور خاص آرزو دارد به هنگام دیدن شهر آن را ببیند . آن مرد پاسخ داد : " بله ، دوست دارم الهیدان معروف کارل بارت را ملاقات کنم . آیا تا به حال ایشان را ملاقات کرده ای ؟ " بارت گفت : " بله ، من هر روز صبح صورت او را اصلاح می کنم " . و آن شخص توریست با خوشحالی رفت با این باور که او آرایشگر کارل بارت را دیده است ! چنین چیزی می تواند برای اشخاصی که به خداوند عیسی نزدیک می شوند رخ دهد . آنها از او می شنوند ، چیزهایی درباره او می آموزند ، اما هرگز بطور کامل پی نخواهند برد که با چه کسی روبرو هستند . از این رو به سوی جاذبه هایی دیگر رو می آورند بدون اینکه عیسی مسیح واقعی را ملاقات کنند . شما می دانید ، که او فراتر از یک معلم مهربان است ، فراتر از یک چهره مذهبی . او بره خدا است .

اما این عبارت به چه معناست ؟ ممکن است این عبارت تصویری رویایی از یک بره معصومی باشد که در علف زار به چالاکي جست و خیز می کند ، اما این تصویری نیست که یحیی تعمید دهنده در ذهن داشت . تصویر بره از عهد عتیق گرفته شده است ، بطور خاص از تورات و مجموعه احکام مربوط به گذراندن قربانی . اینکه می گوئیم عیسی بره خدا است بدین معناست که او بزرگترین قربانی گناه است که تمام قربانی های حیوانی عهد عتیق چه در معبد و چه در خیمه اجتماع هسه به او اشاره دارند . هر بره که در صحن معبد کشته می شد و خورش بر روی مذبح پاشیده می شد نشانه ای بود از بخشش که از مرگ این بره پدید می آمد . هر حیوانی که در عید پسخ قربانی می شد و خورش بر سر در هر خانه پاشیده می شد بدین منظور بود که زندگی اهالی خانه را نجات بخشد و گوشتش که در مراسمی مقدس خورده می شد نمونه ای از این بره بود . کتاب مقدس در این باره زیبا می فرماید ( عبرانیان ۱۰ : ۴ ) . تنها خون عیسی مسیح قربانی شده ، بره خدا این قدرت را دارد که گناه انسان را پاک نماید . این مهم ترین مسئله ای است که انسان می بایست در مورد عیسی مسیح بداند . این تنها مسئله نیست ، بلکه مسیح ، نبی ، آموزگار ، نمونه کامل ، دوست ، سرور و پادشاه نیز هست . اما پیش از همه او بره قربانی است ، یعنی بره بی عیب خدا .

او بره خداست ، قربانی که پدر برای ما مهیا ساخته است ( به مانند جانشینی که خدا برای فرزند ابراهیم ، اسحاق در نظر گرفت ) . ما باید هدیه و تدارک خدا را بپذیریم . پطرس به مسیحیان اولیه چنین می نویسد

" به چیز های فانی مثل نقره و طلا خریده نشده اید ، بلکه به خون گران بها چون خون بره بی عیب و بی داغ یعنی خون مسیح " ( اول پطرس ۱ : ۱۸ - ۱۹ ) .

### چه کسی گناه جهان را بر می دارد

گویی یحیی با تاکید بر استعاره بره خدا ، و با افزودن عبارتی شفاف که توصیف کننده کار بره است ، خاطر نشان می سازد که هیچ کس در هویت عیسی اشتباه نخواهد کرد . یحیی چنین می گوید : " اینک بره خدا که گناه جهان را بر می دارد " . کاری که مسیح انجام می دهد اینست که گناهان را بر می دارد . عیسی آمد تا ما را از مرگ و جهنم رهایی بخشد . او نیامده تا به ما تعلیم دهد و یا حس وجدان اخلاقی ما را بر انگیزاند و یا به ما الهام بخشد که زندگی بهتری داشته باشیم و یا درباره خدا به ما آموزش دهد و یا در ضعف و بدبختی وضعیت انسانی ما شریک گردد بدون اینکه با ما هم درد شود - او تمام این کارها را نیز و حتی چیزی فراتر از آن را برای ما انجام داد . اما عیسی در وهله اول و مهمتر از همه آمد تا ما را از گناه نجات بخشد ، همچنانکه خود او می گوید : " پسر انسان آمده تا گمشده را بجوید و نجات بخشد " او آمد تا برای ما کاری را انجام دهد که ما از انجام آن ناتوان بودیم ، کاری که هیچکس غیر از او قادر به انجامش نبود . او آمد تا گناه را بردارد ، و هم اینکه حس تقصیر گناه را بزداید ، قدرتش را در هم بشکند و هم اینکه سرانجام آنرا از زندگیمان دور سازد . مسیح این کار را با " تحمل " گناه انجام داد . به عبارتی دیگر ، با برداشتن گناهان از ما و گذاشتن آن بر روی خودش و حمل آن تا صلیب و پرداخت بهای آن بر روی صلیب آن هم یک بار و برای همیشه این کار را انجام داد . کلام خدا این مطلب را بارها بیان می کند :

آیات قرآنی : *... یا نذر ان ما در هست*  
" مسیح بر حسب کتب در راه گناهان ما مرد " ( اول قرنیتان ۱۵ : ۳ )

" مسیح خود برای ما لعنت شد تا ما را از لعنت شریعت آزاد سازد " ، " زیرا او را که گناه شناخت ، در راه ما گناه ساخت تا ما در وی عدالت خدا شویم " ( دوم قرنیتان ۵ : ۲۱ )  
" خود گناهان ما را در بدن خویش بر دار متحمل شد " ( اول پطرس ۲ : ۲۴ ) .

تمام این آیات از رسالات عهد جدید به یک نکته اشاره می کنند : عیسی متحمل گناه شد ، کسی که فرجام گناه را بطور کامل می پردازد می تواند گناهان و تقصیرات ما را از ما بر دارد . اینگونه نبود که او بخشش را به شکلی سبب به ارمغان بیاورد ؛ او به شکلی واقعی و حقیقی این هدیه را می بخشد . تنها او قدرت چنین کاری را دارد ( مرقس ۲ : ۸-۱۲ ) .

قدرت مسیح حیرت انگیز است . او گناهان جهان را بر می دارد . او قادر است تمام گناهان جهان ، تمام اشتباهات هر مرد ، زن و بچه ای که زنده است و همه گناهان را بر دارد . و چون این صحت دارد ، پس او بطور حتم قادر است تمام گناهان ما را چه کوچک و چه بزرگ بردارد . اما در اینجا یک چیز وجود دارد که آن را ما باید انجام دهیم . در حالی که عیسی خود بطور بالقوه بهای گناهان تمام جهان را پرداخت ( بدین منظور که خود را همانند یک قربانی کامل و پایان ناپذیر تقدیم کرد ) ، کفار و مرگ او شامل کسانی می شود که در ایمان ، با او متحد می شوند . نجات بطور خودکار انجام نمی پذیرد . برای این که عیسی گناهان ما را بر می دارد باید ما به نزد او رویم . ما باید به او ایمان داشته باشیم . ما باید گناهان خود را بر روی او بگذاریم . ما باید از این توهم که قادر هستیم خود را نجات بخشیم دست بکشیم . باید از سعی و تلاش جهت پرداخت بهای گناهانمان توسط خودمان دست بکشیم و بهایی را که او بجای ما پرداخته بپذیریم .

در عهد عتیق در روز کفار ، شریعت به کاهن اعظم دستور می داد که بزی را قربانی کرده و خون او را به عنوان فدیة گناهان تقدیم کند . سپس او می بایست دست خود را بر سر بز دوم قرار می داد ، و بدین سان

WOH #2079 2-11-01 Encounters With Jesus : John the Baptist  
( Encounters With Jesus Series ,#1 )

بطرز سمبلیک گناه خود و قوم را بر آن حیوان که " بلاگردان " نام داشت فرار می داد و سپس آن را به سوی صحرا رها می کردند . هر دوی این حیوانات کار برة واقعی خدا را به تصویر می کشند ، برة ای که بطور کامل بهای گناه را پرداخت و تقصیر آن را دور ساخت . آنچه که من و شما نیاز داریم انجام دهیم این است که دستان خود را بر سر این برة بگذاریم . ما نیاز داریم تا با ایمان خود را با او برابر بدانیم و مرگ او را برای خود اعلام کنیم . اکنون ، می توانید با خواندن این دعا به همراه من ، این کار را انجام دهید ؛

" برة خدا ، که گناهان جهان را برداشتی ، از تو می خواهم که گناهان من را نیز برداری . من از حمل این گناهان خسته شده ام ؛ خسته از پرداخت بهای آن هستم . من همه را به تو می سپارم . همه را ، هر عمل زشت ، هر فکر ناپاک ، هر سخن آزارنده ، هر ناکامی و ضعف را بر سر تو می گذارم . دریای صلیب تو بود . همه را از من بپذیر و بر روی صلیب حمل کن ، جایی که بهای تمام گناهان را پرداختی . دعا می کنم که بجای تقصیراتم ، شادی نجاتت را به من ببخشی . آمین " .

سورح شمه توحید در اسلام